

تحقیق و نگارش: صالحه فاروق اعتمادی

نماینده افغانستان در سمپوزیوم آسیائی

مسائل جوانان

در افغانستان

پرتال جامع علوم انسانی

مسائل و مشکلات مربوط به نسل جوان چه در زمینه مالی و چه در مقیاس جهانی در حال حاضر بصورت حادی درآمده است و یکی از پروبلم های مهم جهان معاصر شناخته میشود . باین پروبلم اساسی نه تنها افغانستان بلکه عموم کشورهای توسعه نیافته و درراه توسعه و بسیاری از کشورهای مشرقی جهان مواجهند .

از قرن ۱۹ باینطرف خصوصاً از قرن بیست کلیه جوامع بشری در حال تحول و دگرگونی میباشد تشریح پیشرفتهای بزرگ در زمینه تکنولوژی و رشد و توسعه مسائل اقتصادی تحولات و ترقیات علمی که در تنویر افکار و ارتقای سطح معلومات عمومی مردم نقش بزرگ دارد و سایر پدیده های اجتماعی عصر حاضر همه یکجا شده و سبب بروز این همه تغییرات و تحولات گردیده است .

تحولات اخیر جهان در تمام ساعات حیات بشری آنقدر با سرعتی پیش می رود که نسبت نابهنگام بودن آن همه افراد و طبقات جهان آنرا هضم کرده نمیتوانند چنانچه پیاده شدن انسان بکره ماه برای اکثر مردم کشورهای کم رشد غیر قابل قبول میباشد و آنرا بحیث یک حادثه غیر ممکن تلقی مینمایند .

در نتیجه این سرعت رشد و تکامل تکنیک و قوای تولیدی در زمینه صنعت و زراعت و تعمیم معارف و فرهنگ بشیوه دیموکراتیک اجتماعات و جوامع بشری تغییر شکل میدهد .

مناطق روستائی و دهکده ها به شهرهای کوچک و شهرها به مراکز

عمده صنعتی و تجارتی تحول مینابند . کارگاههای دستی به کارگاههای ماشینی مجهز صنایع و طرز زراعت قرون وسطائی به مبارزات متشکل اجتماعی به منظور تحلیل و تجزیه منطقی شرایط جامعه بشری قوام مینابد .

نقل و انتقال و سیرو سیاحت مهاجرت ها و مسافرت ها نیز تسریع شده و مردمان روستاها و دهات بمنظور دریافت کارمزد بیشتر و جهت تامین معیشت و تعلیم و تربیت فرزندان آگاهی بیشتر و کسب شهرت اجتماعی و سیاسی که مستلزم اجتماعات است به شهرهای پر نفوس و مراکز مهم صنعتی رجوع میکنند و در نتیجه حیات شهری سرعت در مراکز مهم تولیدات و شهرهای بزرگ تمرکز مینابد و با وجود عدم رضائیت مردمان و رجال سیاسی و مسئول جمعیت شهرها رو با افزایش می رود . گرچه این جمعیت ها برای پیشرفت صنعت تجمع میکنند ولی در عین حال برای زندگی متمدن شهری آماده نمیشوند . مسلم است که در نتیجه اینهمه تغییرات در شهرهای بزرگ و مراکز عمده صنعتی پروبلم های بزرگ زندگی اجتماعی مسائل خانوادگی تعلیمی و تربیتی اقتصادی و مشکلات صحت عامه بمیان می آید .

ازدحام جمعیت در محیط فیزیکی خفقان آور نمناک با بیکاری فقر و جهل و ظهور بیماریهای مختلف یکجا شده زمینه و فیات در سنین مختلف و بخصوص جرم و جنحه جنایات و تبهکاری ها و لگردی - تکدی و انحرافات را مساعد میسازد .

البته بمنظور تنظیم امور و انسجام دادن این پروبلم های اجتماعی پروبلم گرام های اصلاحی و پلان های اکتشافی سازمان های مختلف اجتماعی یکی بعد از دیگری بنیان گذاری میشود که منجمله این سازمان ها موسسات خدمات اجتماعی شهرسازی است که برای رفع این پروبلم ها پلان های وسیع و متوازن طرح و تنظیم نموده اند .

عوامل فوق باهم یکجا شده دروضع جوامع تغییراتی را بوجود می آورد که تاثیرات آن بیشتر در وضع جوانان و نوجوانان مشهود است .

گزارش حاضر جنبه بررسی و تحقیق علمی نداشته وهدف آن تنها مرور وضع نسل جوان افغان از نظر خانوادگی ، تربیتی ، اقتصادی و اقداماتیکه تاکنون برای رفع پروبلم های جوانان در کشور ما صورت گرفته میباشد و سعی بعمل آمده که تا پروبلم های جوانان افغان در داخل امکانات و مقتضیات کشور تا اندازه ای ممکنه جواب داده شود . زیرا کمبود مطالعات و احصائیه ها و تحقیقات علمی درین موضوع و کمی وقت موجب میگرد که این بررسی تابع شرایط موجود قرار گرفته و محدود و مختصر تهیه شود .

وضع خانوادگی نوجوانان

در اثر توجهات و رهبری اعلیحضرت پادشاه افغانستان و در پرتو قانون اساسی جدید و تحولات اخیر کشور ما سیر ارتقائی خود را میپیماید و در عموم ساحات خانوادگی تربیتی اجتماعی و اقتصادی فرهنگی و عمرانی آن تغییرات لطفاً ورق بزینید

عمیق و تحولات بزرگی پدیدار گشته است. که البته این تغییرات و تطورات با مظاهر عالی پیشرفته خود در حیات کتله‌های مختلف و جمعیت‌های پایتخت و دیگر شهرها و مراکز پر نفوس بالخصوص بالای جوانان و نوجوانان تاثیرات از بسا جهات مفید و در بعضی موارد نتایج نامطلوبی وارد مینماید.

یکی ازین تغییرات بزرگی تراکم نفوس در شهرهاست که مشکلات تامین حیات مادی و تاثیرات سوء و نادرست مدنیت اروپائی و شرایط ناگوار حیات مدنی جوانان و نوجوانان را که از تعلیمات عمومی و اجباری و تربیه درست خانوادگی محروم مانده‌اند در معرض خطر قرار میدهد.

در افغانستان مانند سایر کشورها های درحال رشد امروز بعلت وجود وسایل ارتباطی از قبیل رادیو سینما راههای هوائی نشریات مختلف خواندنیهای متنوع مراسلات و مکاتبات و مطالعات گوناگون و ارتباط فرهنگی با دنیای غرب افکار جوانان کم تجربه و پراحساس دگرگونی حاصل کرده و آنها را به سنت شکنی‌های غیر منطقی واداشته است و عده آنها را بسوی تمرد عصیان و انجام گسیختگی سوق داده است که یکی ازین پدیده‌های جدید تحول نظام اجتماعی افغانستان و بهم خوردن شکل و مفهوم خانواده و روابط میان افراد آن میباشد. زیرا که نسل جوان خود را از دنیای نوتر از پدران و مادران‌شان میدانند و آرزو دارند برای خود نظم زندگی جدید را طرح نمایند که بازندگی اولیای‌شان

کاملاً متفاوت است. جوانان که راجع بکردار و نقش اجتماعی خود متیقن نمیشد این وضع باعث آن میشود تا دستخوش يك سلسله حوادث روحی گردیده و به مشکلاتیکه خاصه این سن و سال است مواجه گردند و بکسب تجارب تلخ و شیرین مرحله مباردت نمایند که درآن گاهی سوءتفاهماتی بین جوانان ووالدین رخ داده است باعث تشنجات و عقده‌های روحی میگردد زمانی هم به عشق نگاه داشتن حیوانات خانگی چون سگ و گربه کبوتر و غیره سخت مبتلا میشوند و همچنان به تشکیل دارودسته همسان اشتغال میورزند. علت‌الملل این همه تب و تالاش‌ها همانا دریافت آزادی از قید والدین و فشارهای خانوادگی است بدون آنکه حرف بجایی رسد که مصونیت و حمایت خود را از دست داده باشند. ایشان میکوشند تاخودشان را جوانان رشید و آزاده ثابت‌کنند در حالیکه والدین هنوز هم آنها را طفل دیروز دانسته‌به‌آزادی و جوانی‌شان وقعی نمیگذارند بنابراین بین ایشان يك نوع کشمکش مرموز وجود دارد و اطفال میکوشند تا بیشتر نشان بدهند که متکی به‌همسالان خود میباشند در حالیکه واقعا نمیخواهند از مصونیت و حمایت خانواده قطعاً محروم گردند همینکه جوانان به‌آن مرحله وسواس و تشویشات برسند که دریابند والدین ایشان حاضر بحمايت آنها نیستند خطرناک‌ترین لحظاتی است که ایشان به‌آن مواجه میشوند و بالاخره دوائر بی‌پرداختی والدین ترك منزل گفته لطفاً ورق بزنید





یله گرد میشوند و بنارودسته همسالان پیوسته و در سراغ جوانان مثل خود میافتنند و به دهشت افکنی و خرابکاری دست میزنند. درین جا نقش والدین خیلی بارز و مهم است که از یکطرف بکوشند آزادی نوجوانان را سلب ننمایند و از جانب دیگر ایشان را پیوسته به حمایت و حیانت خویش متیقن نگاه دارند تا رشته‌های متین خانوادگی در اثر اندک بی‌بروایی و خناق نمودن و سواس ذعنیت‌های منفی در جوانان از هم نپاشد.

بدیهیست که خانواده در بنیان‌گذاری و پرورش شخصیت و طبیعت اطفال و نوجوانان و جوانان و وظایف ارزنده و رول بزرگی برعهده دارد که از محیط خانه تا اجتماع ادامه پیدا میکند. از همین جا است که نقش مهم خانواده‌های امروزی در کیفیت نسل آینده در جلو نظر تبارز میکند و تأثیر خانواده بد شخصیت طفل و جوان مهم تلقی میگردد.

در افغانستان نظام پدر شاعسی (پدرسالاری) برای سالیان دراز از نهادهای اصلی و اساسی و باستانی اجتماع شناخته میشد و احترام و اطاعت از پدر و مادر که جزء وظائف دینی و سنن دیرینه است از ارزشهای غیر قابل انکار محسوب میگردد در افغانستان قدیم و در بعضی جوامع روستائی حالیه خانواده گسترده از اجتماع چند نسل یک خانواده تشکیل شده بود باین صورت که پسران خانواده بعد از ازدواج نزد اولیای خودزندگی میکردند و رئیس خانواده پدر بود که نهایتاً در بین خانواده مورداحترام

خاصی بوده بلکه در امور اجتماعی نیز حق دخالت داشت و در صورت نبودن پسران بزرگتر این مسئولیت را بدوش میگرفتند و حتی در امور ازدواج که ازدواج‌های اجباری از آن منشاء گرفته است نیز بدست اولیا انجام میشد (چنانچه امروز نیز این وضع در اکثر خانواده‌ها جریان دارد) و اکثراً این قدرت و حکومت پدر در فامیل اسب ضعف و ناتوانی و عدم صلاحیت مادران را بیشتر فراهم میساخت که متأسفانه ریشه آن هنوز باقیست و امروز نیز «کل اختیاری» مردان در اکثر خانواده‌ها جریان دارد.

مسأله است که یک چنین طرز تفکری نمیتوانست در دنیای متسلسل امروز دوام کند لهذا این محدودیت‌ها تا اندازهای از بین رفته و خانواده‌ها ناگزیرند در مقابل تحولات اجتماعی بی‌طرف نمانند و آنرا بپذیرند زیرا جامعه و خانواده از هم توقعات و انتظاراتی باید داشته باشند.

ولی متأسفانه مشکل بزرگ خانواده‌های دیروز و امروز افغانستان عدم وجود سواد و معلومات کافی در باره تربیت طفل حفظ المحد و بسا مشرعات مهم حیاتی و اجتماعی دیگر در بین پدران و مادران است که نهایتاً در تربیت نسل آینده تأثیر وارد میکند بلکه بین جوانان و والدین آنها سبب بروز کشمکش‌ها و عدم توافق روحی میگردد.

یکی ازین عوامل بوجود آورنده تحرك عظیم اجتماع «کار» میباشد در گذشته پدر بحیث رئیس و نان‌آور خانواده به مشاغلی که منحصر بامور

زراعتی، مالداري و پیشه‌وری کارگاه‌های فامیلی و چند شغل آزاد دیگر بود اشتغال داشت و پسر از کودکی باوی در انجام امور معاونت میکرد و باین اکتفا مینمود که پدر مخارج او را تأمین نماید.

اما امروز در اکثر خانواده‌ها کار تقسیم میشود. و افراد بالغ جوان خانواده میخواهند از نیروی خود برای انجام کار بصورت مستقل استفاده نمایند و مطابق ذوق و استعداد خود شغلی را انتخاب نموده دستمزد دریافت نمایند (البته بی بردن به ارزش کار و مفهوم دریافت پول نزد طبقات فرق میکنند) در افغانستان جوانان یعنی طبقات خیلی پرکار و زحمتکش اند که حتی در پهلوی ادامه تحصیلات خود به کار اشتغال میورزند.

روبهررفته این استقبال جوانان از کار از یک طرف در بهبود وضع اقتصادی کشور موثر است و از جانب دیگر جوانان به ارزش و سودمندی پول پی میبرند.

همزمان با تحول اقتصادی تحولات فرهنگی نیز بمیان آمده است که اثرات آن در توسعه دوران تحصیالی میباشد. بعد از آنکه درس خواندن و تحصیلات ابتدائی اجباری شد مدت دائم روبه افزایش رفت و سن بلوغ تغییر یافت دیگر اطفال و جوانان فقط بکارآموزی اکتفا نمیکند بلکه بصورت متمم (دانش آموز) و محصل (دانشجو) به کسب علوم میپردازند. باتوجه بوضع تحصیالی صد سال قبل میتوان بچگونگی این تحول عظیم واقف گردید.

در آن زمان کمتر کسی بود که به تحصیل بپردازد و برای افسراد تنها خانواده و امور مذهبی مورد توجه قرار میگرفت و تحصیلات جوانان در برخی مواقع منحصر میگردد به مقدار روایتهای مذهبی که اجداد و پدران و ملاحای مساجد برایشان تعریف میکردند .

از آغاز قرن بیستم در مملکت ما به تحصیلات توجه جدی بعمل آمد و معارف بتدریج اهمیت پیدا کرد . و به تحصیل گماردن اطفال و نوجوانان جزء عادات خانوادگی و وظیفه اولیا گردید . بطوریکه امروز دولت افغانستان از قبول نمودن تمام اطفال در مکاتب (دبستان) و نوجوانان در مکاتب ثانوی (دبیرستان) و جوانان در پوهنتونها (دانشگاه) دچار مشکلات بزرگی است .

در حال حاضر با توجه به تغییراتی که در شئون اقتصادی و اجتماعی و تربیتی افغانستان بعمل آمده اصول خانوادگی نیز تغییر شکل داده و بتدریج خصوصاً در شهرها پدرشاهی (پدرسالاری) جای خود را بخواند های کوچک زن و شوهری داده است و به اثر این تحول رواجهای قدیمی که در گذشته اجرا میشد بصورت دیگری درآمده است و اطفال و جوانان بایک سلسله مشکلاتی ناشی از این تحولات مواجه گردیده اند یعنی در افغانستان نیز مانند دیگر کشورهای مشرق زمین که آداب و رسوم با تمدن غرب در معارضه است مشکلات و گیرو دارهایی برای جوانان پیش آورده است که همه اینها قابل اندیشه و مستلزم

تدبیر میباشد .

امروز در افغانستان از یکطرف به تعداد جوانان مربوط به طبقات مختلف اجتماع شهرنشین که با عقاید و افکار نوین آشنا میشوند ازدیاد بعمل میآید . و از جانب دیگر در افغانستان سرزمین باستانی که با داشتن تمدن کهن سنن و شعرهای ملی دیرینه خیلی مشکل است مردم این سرزمین را که سالها به سنن و عرف و عادات خود پایبندی داشتند یکباره تغییر داد و ایجابات زندگی امروز را در ذهن آنها جایگزین نمود از همینجاست که در خانواده تضادهایی بوجود میآید .

البته بهبود بخشیدن وضع خانوادگی و تعلیم و تربیت محییج نسل جوان و ایجاد یک جامعه مرفه الحال و فعال با مقتضیات زمان و پلانگذاری-

های اساسی مربوط میباشد . خوشبختانه در سایه رهبری اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پادشاه دموکرات افغانستان در هر مورد پیشرفتهائی به ظهور رسیده است که منجمله تعوییر و نهضت طبقه نسوان و تساوی حقوق زنان با مردان و تفویض حقوق سیاسی کامل به آنان و امثال آن است که نصیب مات افغان گردیده است لهذا خانواده های افغان باید همگام با این تحولات روابط خود را با همه عواملیکه در تربیت جوانان موثر است بسط و توسعه دهند و بکوشند فرزندان شان را طوری تربیت نمایند تا برای قبول هرگونه تحولات و تغییرات معقول آماده شوند و استعداد های شان را در مجرای ساییم سوق یابد .

وضع جوانان شهرنشین از نظر

تعلیم و تربیت

در دنیای امروز مجاهدات دوامدار بغرض رفاه جوامع بشری و ایجاد زمینه مساعد زندگی برای نسلهای آینده بشری از وظائف اولی محسوب میگردد . ایفای این وظائف مستلزم تنظیم مجاهدات در راه تعلیم و توسعه معارف در چارچوب پروگرام های منظم میباشد .

این امر مخصوصاً در ممالک در حال رشد شکل جدیدی را بخود اختیار کرده است . زیرا فعالیت مردمان این ممالک در مرحله اول متوجه بهبود وضع زندگیشان بغرض رسیدن به معیار مناسب زندگی تابه اساس این معیار انکشافات آینده پی ریزی گردد .

یکی از عوامل مهم رفاه جوامع بشری و ایجاد زمینه مساعد زندگی برای تعلیم و تربیت است در حالیکه تعلیم و تربیت را کلیه دولت ها و عموم ممالک مترقی جهان بحیث یکی از احتیاجات اساسی اطفال و جوانان شناخته اند . ممالک در حال رشد و در راه انکشاف آنرا شرط لازم و اجتناب ناپذیر تلقی میکنند و عقب ماندگی ممالک در حال رشد در اکثر زمینه های زندگی موجب گردیده که مجاهدات خود را روی تعمیم سواد ، فرهنگ و دانش شدت بخشیده و از منابع ممکنه درین راه استفاده کنند .

در افغانستان بنابر علل تاریخی

لغلاً ورق بزنید

و مداخلات قوای استعماری و موقعیت حساس آن تا آغاز قرن ۲۰ معارف بصورت عمومی انکشاف نکرده بود و صورت رسمی و شکل عصری نداشت زیرا مردمان دلیر این سرزمین تا این تاریخ توجه استقلال سیاسی شان و رفع مداخله قوای استعماری بودند. اما با اینهم معارف و تعالیم و تربیه بطور غیررسمی و بدون تشکیلات عصری و اساسی در تمام مناطق کشور متداول بود و دانش بالاخص به خاندانهای بزرگ و طبقات بالا منحصر میگردید که برای تربیه و تعلیم فرزندان خود دانشوران و دانشمندان را به منزل فرامیخواندند تا بر فرزندان شان خواندن و کتابت را بیاموزند معلومات جنبه کلی و فلسفی داشت و تعالیم عبارت بود از نقل گنجینه اطمینان بخش و زوال ناپذیر معلومات گذشتگان به معاصریت. در پهلوی تعلیمات خانگی فرزندان طبقات بالا مسجد شکل مدرسه را داشت که شاگردان زیادی را در حلقه تدریس یک نفر مدرس جمع ساخته و به تحصیل و امیداشت در این مساجد اغلب کتب مذهبی از قبیل فقه، اصول، حدیث، تفسیر، صرف و نحو و بعضا منطق و حکمت تدریس میشد یا آنکه شاگردان به منظور تحریر و مابین درست کتب فارسی کلاسیک و دیوان شعرای بزرگ را از قبیل مثنوی مولانا بلخی، شاهنامه فردوسی، بوستان و گلستان سعوی و دیوان حافظ و غیره را مطالعه مینمودند.

بعضا روی تخته های مشق با محلول گچ سفید برهوز حسن خط

و میثاقی توسط معلمان و گاهی خطاطان ماهر آشنا میشدند.

خواندن کتاب نیک و حفظ اشعار، تحریر مرغوب دورکن عمده این تعلیمات محسوب میگردید اما در آغاز قرن بیستم در عصر امیرحبیب الله خان (۱۹۱۹ - ۱۹۰۱) عصری معارف بصورت رسمی سرومورت گرفت و مکاتب عصری پایه گذاری شد و درین دوره از یک طرف به ازدیاد مکاتب خانگی و مساجد توجه مبدول میشد و از طرف دیگر مکاتب ابتدائی و عالی (بنامهای حبیبیه و حربیه) تاسیس گردید و در پهلوی علوم دینی، از قبیل فقه، احکام و عربی علوم عصری مانند تاریخ و جغرافیا، ریاضی، مثلثات، فیزیک، شیمی، ژئولوژی، بیولوژی تشریح و هندسه فارسی و غیره بواسطه معامین داخلی و خارجی تدریس گردید.

ساحد معارف افغانستان پس از استرداد استقلال سیاسی آن در (۱۹۱۶) بصورت وسیعی انکشاف یافت و مکاتب زیادی در مرکز و اکناف مملکت تاسیس و افتتاح شد و متخصصین و ارباب علم و هنر از خارج استخدام میشدند و زبانهای فرانسوی، آلمانی و انگلیسی در مکاتب امانیه و امانی و حبیبیه بواسطه معلمین اهل لسان تدریس میگردید درین مکاتب که تحت واری معامین خارجی اداره میشد و معادلت های دیپلم های داخلی و خارجی برقرار گردید و طلاب بفرض تحصیل به فرانسه، آلمان و ترکیه اعزام گردیدند. ضمنا برای باراول به تعلیمات نسوان

هم توجه واقعی مبدول گردید و در پایتخت یک مرکز تحمیل دختران بنام مکتب مستورات افتتاح شد و حتی در ۱۹۲۸ یک دسته دانشجویگان بفرض تحصیلات عالی به ترکیه اعزام گردیدند و حتی یکمده دختران خردسال در منوف ابتدائی مکتب امانیه با پسران همسالان همدرس شدند. تا اینکه در دوره جنگ داخلی ۱۹۲۸ - ۱۹۲۹ که ۹ ماه طول کشید معارف رسما موقوف و مکاتب مسدود گردید اما از آن تاریخ به بعد معارف و دانش توسعه یافت و علاوه بر شهرهای خورد و دور دست بدهات و روستاها کشانیده شد. تعداد مکاتب رو به فزونی گذاشت ولیسه ها و مکاتب عالی به دانشکده ها و دانشگاهها ارتقا یافت.

اگرچه در ابتدا بعضی از مناطق و ولایات به معارف نظر خوبی نداشتند و درشمول فرزندان خود به مکاتب ابا میورزیدند و مخالفت مینمودند اما بتدریج به مزایای علم و عرفان آشنا شده و امروز از دادن زمین برای ایجاد مکتب خانه و پول برای افتتاح مکاتب مدارس دریغ نمیکند. تا جائیکه استقبال مردم و تقاضای روزافزون در تعلیم و تربیت امروز دولت را در مقابل مشکل تازه ای قرار داده است که آن نظریه مواد مندرجه قانون اساسی تعمیم و توازن معارف است.

ماه ۳۴ قانون اساسی جدید (۱۹۶۵) کشور چنین اشعار میدارد: «تعلیم حق تمام افراد افغانستان است و بصورت مجانی از طرف دولت و اطباء افغانستان فراهم میشود هدف دولت

این ساحه رسیدن به مرحله ایست که آن تسهيلات مناسب تعليم و تربيه ای همه افراد افغانستان مطابق حکام قانون فراهم گردد .

« رهنمونی و نظارت تعليم و تربيه لمنه دولت است ، تعاليمات ابتدائی ای تمام اطفال در نقاط که وسایل از طرف دولت تهیه شده حتمی باشد . »

نظر بدین ماده قانون اساسی عیادت ابتدائی اجباریست و مکاتب (دبستانها) برای پذیرفتن عموم کودکان داده است از نظر مذاهب و دارائی حسب ونسب و غیره هیچگونه قیدی در تعاليمات وجود ندارد .

مکاتب یعنی (آموزشگاهها) سه دوره تقسیم میشوند :

— دوره اول دوره ابتدائیست که اول الی سال ششم میباشد . بر علاوه ارس روستائی در دهکده ها بنام مکتب دهاتی نیز باز شده است که سطح يك معلم اداره میشود .

— دوره دوم عبارت است از عیادت متوسطه که شامل کلاس های ششم و هفتم و نه میباشد و مکاتب متوسطه خوانده میشوند .

— قسمت سوم شامل کلاس های یازده و دوازده میباشد که بنام مکتب ثانوی معروف است .

پس از این سه دوره تعاليمات لی فاکولتهها و پوهنتون (دانشگاهها) دارالعلمین های عالی آغاز مییابد . افغانستان امروز که سیر ارتقا مراحل انکشاف خود را مییابد ای تعمیم و توسعه معارف تربیت رسول به منظور با سواد ساختن

افراد و باند بردن فهم ایشان و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی مردم بادر نظر گرفتن اصل توازن و تعمیم معارف مبالغ هنگفتی را در پلان های انکنسافی خود منظور نموده است .

قسمتی از بودجه مملکت که در گذشته صرف حفظ نظم و امنیست و دیگر مخارج نامین میشد به تاسیس اداره و توسعه موسسات فرهنگی و تامین وسائل و تجهیزات این قبیل موسسات اختصاص داده شده است تا افراد مطلع و مجهز را برای خدمت به اجتماع آماده سازد .

پروپلم های تربیتی و تعلیمی

۱ — یادکر این مقدمه همه دیدانیم که در نتیجه تقاضای روزافزون از تعلیم و تربیت دولت ها در مقابل مشکل تازه ای قرار گرفتند که آن جذب تمام کودکان و جوانان در مکاتب ابتدائی (دبستانها) لیسهها (دبیرستانها) و پوهنتون (دانشگاهها) است .

اما در شرایط مالی فعالی مملکت که ایجاب معامین آزموده و تجهیزات و وسایل لازمه را برای افتتاح مکاتب در همه مناطق مینماید تحقق بخشیدن به این آرزو دشوار است .

از جانب دیگر تشویق شاگردان بچایب مکاتب مسلکی و حرفه ای کارآموزی که تعداد آن هنوز خیلی کم است و ادارا ساختن شان به قبول امتحان شمول در لیسهها و دانشگاهها مشکلاتی را بمیان آورده است بهمین علت یکمده معتنابهی از اطفال که از نعمت تعلیم بی بهره مانده اند . و همچنین

نخواستند در کار کارگاههای حرفه ای تحت نظر استاد کار بهیئت شاگرد به حرفه و کسبی اشتغال ورزند باردوش شهرها شده و موجبات تهیکاری و انحرافات را بار میآورند . اما این پروپلم در دهات و روستاها هنوز ظهور نکرده است زیرا اگر کودکان درین مناطق فرصت تعلیم را بدست نیآورده میتوانند در جوار والدین خود در مزارع ، چراگاهها به امور زراعتی و مالداری و باغداری اشتغال ورزند و یا با والدین خود در مشاغل معینشان دستکاری نمایند و یا بدکسب و حرفه محلی اشتغال ورزند . و بر علاوه این جوانان از پروپلم های گوناگون مدنی و اخلاقی شهرها برکنارند و زندگی فارغ البالی را در پیش دارند .

۲ — توسعه و گسترش تعلیم و تربیه و تعمیم معارف و افزایش تعداد شاگردان لیسهها و انکشاف تعاليمات عمومی در شهرها و دهات پروپلم دیگری را نیز بمیان آورده است که آن مسئله تنزیل کیفی تعلیم و تربیت نظر به کمیت آنست .

امروز در نتیجه کمی پرسونل فنی و معامین آزموده و وسائل و تجهیزات لازمه سوبه تعلیمی پائین آمده است زیرا در گذشته چند لیسه محدودی که در مرکز و ولایات تاسیس شده بود در تحت اداره و نظارت معامین خارجی و آزموده تدریس میگردید . و پروگرام های تعلیمی فرانسه و آلمان و امریکا و انگلستان با کمی تغییرات با افزایش مضامین و موضوعات دینی داخلی و محلی در آن تطبیق اقلما ورق بزنید

می‌شد امروز که تعداد مکاتب و لیسه‌ها و فاکولت‌ها افزایش یافته است استخدام معالین خارجی ورزیده برای همه مکاتب مقدور نیست و تعداد معالین لایق و آزموده و با تجربه داخلی هنوز به اندازه این نیست که بتواند به همه شاگردان مرکز و ولایات بکنیز تعلیم بدهد. و با اینکه وحدت پرورگرام‌های تعلیمی در تمام مناطق مملکت بعمل آمده ولی از نظر تساوی سوبیه عمومی این امر محال است. و در نتیجه در مراکز پایتخت که تعداد معالین خارجی و لیسانسیده‌ها زیاد است سوبیه تعلیمات نظر به ولایات بالاتر است که این امر سبب عدم قبولی شاگردان در امتحانات شمول پوهنتون (دانشگاه) میگردد. و موجب نارضایتی شاگردان شده‌است.

۷ - توسعه شهرهای بزرگ بسط پراکندگی مدارس و اشتغال پدران و مادران در خارج از منزل به تدریج تعلیم و تربیه را از کنترل نظارت خانوادگی خارج ساخته و به عهده مربیان کودکستانها، معالین مدارس و مکاتب (دبستان) لیسه‌ها (دبیرستان) و پوهنتون (دانشگاه) قرار داده است و ارتباط بین معلم و خانواده که در گذشته از اصول اساسی تعلیم و تربیت کودکان و جوانان شناخته میشد رو بفراموشی نهاده است.

در چنین وضع تاثیر معلم در تعلیم و تربیت و توجه به تفاوت‌های فردی شاگردان و رعایت استعداد و خصوصیات فردی و حل مشکلات شاگردان از رای تماس با خانواده و رهنمائی و رعایت و هدایت طفل و جوان بنای از بین رفتن را گذاشته

است و مسلم است که نتیجه آن نمیتواند رضایت بخش باشد و جنبه تربیتی مدارس از هم بیاشد.

وجود مشکلات و عقده‌های روحی انحرافات و تپه‌کارهای جوانان و بسیاری از معایب دیگر نتیجه این عدم توجه به اصول تربیتی شاگردان است در نتیجه عدم ارتباط مستقیم بین معلم و نظارت برخوردارها، رفتار و کردارشان است. بطوریکه امروز بعضی از معالمان بزرگوار می‌توانند شاگردان خود را بشناسند و درباره نارس کار و روحیات و افکار آنان قضاوت کنند.

۸ - بموازات گسترش همگانه تعلیم و تربیت و افزایش تعداد دانش‌آموزان و قطع رابطه بین خانه و مدرسه و معلم و شاگرد پروبلم دیگری که در امور تعلیمی و تربیتی نمودار گردیده است ضعف دستگاه اندازه‌گیری معلومات و اطلاعات شاگردان و انجام امتحانات بطریق بخت آزمائی اعطاء امتیاز به شهادتنامه‌هاست که در نتیجه آن رغبت و شوق تحصیل و تحمل رنج و زحمت برای یادگیری و دانش‌اندوزی بتدریج رو بضعف نهاده‌است و امروز غالباً در نزد عده‌ای از جوانان هدف تحصیل در قالب اخذ دیپلم‌ها خلاصه شده است که برای حصول آن به هرگونه وسایل مشروع و نامشروع اقدام میکنند.

بیماری بدست آوردن شهادتنامه (گواهی‌نامه) که سند معرفی لیاقت و راه گشای دوائر دولتی و موسسات است بدورتر مرض مزمن در آمده است که این مرض از سالهای اول مکتب تا دوره‌های عالی ادامه دارد.

واز عوارض این مرض هست تربیت، تقابل، نقل و انواع ریاکاری‌هایی است که هدف مقدس تحصیل علم و دانش را مخدوش و موهو تحریف مفهوم آن شده است.

پس از تذکر این پروبلم‌ها ناشی از وضع تربیتی لازم میگرد اقداماتی را که اولیای امور عرفی و حکومت افغانستان برای رفع این مشکلات بعمل آورده است گوش نمایم.

تاسیس مکاتب

مهمترین پروبلم که وزارت معارف افغانستان با آن مواجه است توسعه تعلیم و توازن معارف و افتتاح مکاتب و فاکولت‌های جدید و دانشگاه جدید است که برفع نیازمندیها خواسته‌های جوانان و اولیای آنها پیردازد.

وزارت معارف افغانستان با وجود کمیبود نسبی بودجه و در نظر دارو مخارج ساختمانی تجهیزاتی به این مشکل توجه جدی و دوام داری نموده است چنانچه در طرف یکسال اخیر چندین مکتب ابتدائی متوسطه لیسه‌های را افتتاح نموده‌است. و علاوه بر تعداد مکاتب مملکتی و دارالمعالین و افزودی قابل ملاحظه‌ای بعمل آورده است و همچنین در نظر است که ولایات کشور فاکولت‌های زراعت، طبی، تعلیم و تربیت، بیطاری، علوم، دام پزشکی، مهندسی افزایند.

همچنین برای تربیت پرسو فنی و معالین آزموده دارالمعالین آکادمی معالین و دارالمعالین عالی

ته‌های ادبیات تعلیم و تربیه
م تعداد زیادی محصلان را
داند که بزودی ممکنه مشکل
پسانیه در مملکت تا اندازه‌ای
خواهد گردید .
تاسیس مکاتب جدید مسلکی و
از اقدامات اخیر این وزارت
که تعداد این مکاتب را در چند
ده است .

مائمی جوانان :

در زمینه راهنمایی جوانان
ی موثری برداشته شده است
به در داخل فاکولته تعلیم و تربیه
رام راهنمایی جوانان طرح شده
و جوانان را که به مشکلات روحی
می دچاراند در معرض هدایت و
مائمی قرار میدهد .

در جوقات وزارت معارف شعبه
پروگرام‌های رهبری جوانان طرح-
گردیده که این شعبه هم از نگاه
ای کارآموزی و مسلکی و هم از
مشکلات دیگر بچوانان معلومات و
ت‌های ذیقیمت ارزانی مینماید .
همچنان پروگرام‌های رادیوئی
و افغانستان بخصوص مباحث روان-

ی جوانان وسیله‌ای برای جلوگیری
انحرافات جوانان بحساب میرود.
گرام نمایش فیام‌های تربیتی در
خانه‌ها و دیگر مراکز عرفانی
نتاج کتابخانه‌ها و قرائت خانه‌ها و
نقات ورزشی جوانان را سرگرم
میدارد . پروگرام‌های خارتدوی
لندوی (پیش‌آهنگان) یک منبع
بی رهنمائی اطفال و نوجوانان
ساب میرود که وزارت معارف
انستان برای توسعه این پروگرام‌ها

اقدامات مفیدی بعمل می‌آورد درین
اواخر وزارت معارف افغانستان چنین
تجویز نموده است که برای فعالیت‌های
ماورای درسی متعلمین و متعلمات
(دانش‌آموزان) پروگرام‌های جامع-
تری طرح شود چنانچه تشکیل کمیته
فعالیت‌های ماورای درس پیش‌بینی
گردیده است .

موسسه نسوان افغانستان که در
راه بهبود وضع خانوادگی اجتماعی
اقتصادی و فرهنگی عموم زنان کشور
فعالیت مینماید و حمایت طفل و مادر
را منجمله دیگر وظایف عدیده خود
میداند رشته خدمات اجتماعی را در
افغانستان به سال ۱۳۴۲ (۱۹۶۳) بنا
نهاد و مدرسه متوسطه را به لیسسه‌عالی
مسلکی ارتقا داد و از سال ۱۳۴۲ بدین-
طرف یک تعداد مددکاران اجتماع را
به جامعه تقدیم مینماید و یک عده از
فارغان لیسسه مسلکی را برای تحصیل
در رشته خدمات اجتماعی به خارج اعزام
نموده است علاوه بر آن امسال تعداد
آموزگاران ورزیده در رشته
کودستان ها نیز از همین موسسه
بجامعه تقدیم خواهد شد .

از جانب دیگر ریاست موسسه
نسوان در سال ۱۳۴۲ منحیت وظیفه
خود را مکف دانست تا وضع اطفال
بی سرپرست و فاقد تربیت و پرورام‌هائی
را که ازین ناحیه در اجتماع بمیان
میاید بحکومت وقت افغانستان گوشزد
نمایند و تاسیس پرورشگاه نوع خاص
و دارالتربیت (کانون اصلاح و تربیت)
را برای اطفال منحرف پیشنهاد نمود
و راپورت‌های مفصل در زمینه تقدیم
کرد .

مقام صدرات (نخست وزیری)
افغانستان وزارت عدلیه (دادگستری)
را موظف ساخت تا نظر به ایجابات
مملکت تاسیس دارالتربیه را روی دست
بگیرد که در نتیجه اسانامه کانون
اصلاح تربیت ذریعه کمیسیون بشمول
اینجانب تدوین گردید و کار های
مقدمائی آن نیز انجام شده است .

موسسه نسوان که خود نیز مرکز
فعالیت‌های اجتماعی میباشد تاسیس
مراکز اجتماعی را با افتتاح نمایندگی-
های خود در ولایات توسعه داده و
میکوشد مراکز اجتماعی نوع خاص
را که در تربیت اولیاء اطفال و
جوانان تأثیرات مفید دارد در مناطق
مختلف شهر نیز افتتاح نماید همچنین
تاسیس انجمن اولیا و مربیان با دلایل
مقنع از طرف ریاست موسسه نسوان
به حکومت افغانستان پیشنهاد گردید
و با استفاده از منابع فدراسیون بین-
المللی مدارس اولیا و مربیان و خاصتا
انجمن ملی اولیا و مربیان ایران
مرامنامه آنرا نیز ترتیب و تقدیم نمودند
که بالاخر جلالتماب دکتر محمد اکرم
وزیر معارف کمیسیون را تعیین نمودند
تا طرق و امکانات تاسیس این انجمن
را که برای افغانستان مفیداست جستجو
نمایند .

امیدواریم این انجمن در
افغانستان هرچه زودتر تاسیس شود
تا با همکاریهای فدراسیون بین‌المللی
اولیاء و مربیان و انجمن ملی اولیاء
و مربیان ایران در راه حل پرولم
های جوانان قدم‌های موثری برداشته

شود .